

طرح‌های گرافیکی با ابعاد بزرگ، نقاشی‌ها دیواری

ستاره نورونی



در تصویر شماره‌ی (۲) دیواری به ابعاد 50x70(FT) مقابل پارک کوچکی در خیابان Emergeen واقع در بروکلین را مشاهده می‌کنید.

شرکت Best Products Co. یکی از بزرگترین مراکز ارایه‌ی کالاهای تجاری در آمریکا، تصمیم گرفت از هنر گرافیک معاصر در تعدادی از فروشگاه‌ها استفاده کند، بنابراین با شرکت تازه تاسیس آمریکایی به نام Sit Lnc. واقع در نیویورک تماس گرفت و تقاضای همکاری و مشارکت در زمینه‌ی اجرای طرح‌های ساختمانی را مطرح کرد. مرکز اصلی فروشگاه به صورت جعبه‌ی مکعب مستطیل کشش با نمایی از آجر در فضای وسیعی که محل پارک اتومبیل‌هاست قرار داشت، شرکت Site Lnc از شیوه‌ی مقابله‌ی مستقیم با طرح‌های هماهنگ و منسجم شهری در طراحی‌های جدید استفاده کرد و با انحراف شخص از معیارها و اصول طبیعی در هنر معماری و ساختمان‌سازی شهر، دگرگونی اساسی در مدل‌های قدیمی به وجود آورد. اولین فروشگاه‌هایی که در آن عملیات اجرایی جدید صورت گرفت در Richmond بود بدون آنکه طرح و خصوصیت اصلی فروشگاه تغییری یابد و یا اینکه از وسایل جدید ساختمانی برای این کار استفاده شود، طرح جدید و جالب توجهی را برای این مرکز طراحی کردند.

در تصویر شماره‌ی (۳) فروشگاه را قبل از تغییر و در تصویر شماره‌ی (۴) فروشگاه را بعد از تغییر ملاحظه می‌کنید. سطوح آجری به کار رفته در ساختمان به صورت آزاد در فضا خم شده‌اند و این امر موجب ایجاد تصور عدم پایداری و توازن در ساختمان شده است بدین ترتیب خریداران تصور می‌کنند ساختمان هنوز در مرحله‌ی بررسی و اجرای عملیات ساختمانی است. فروشگاه دیگری که از این نظر در درجه‌ی بالای اهمیت قرار دارد در شهر Houston در ایالت Texas است که در سال ۱۹۷۵ عملیات مربوط به پروژه‌ی طراحی سردر ساختمان آن پایان یافت. در تصویر شماره‌ی (۵) طرح قبلی و در تصویر شماره‌ی (۶) طرح جدید را مشاهده می‌کنید. سقف ساختمان طرح و وضعیت قبلی به صورت گسترده‌ای ساخته شده تا حالتی بین وضعیت انهدام و ثبات را ایجاد کند. در قسمتی از دیوار فروشگاه، آشکارا آجرهایی بر روی هم به صورت درهم ریخته، طراحی شدند. برای بازدیدکنندگان از ساختمان این حالت خرابی که از روی هدف و قصد قبلی ایجاد شده بود به صورتی باور نکردنی جلوه نموده به گونه‌ای که به آن عنوان طوفان شب را دادند.

در تصویر شماره‌ی (۷) و (۸) سومین فروشگاه Products co Best را مشاهده می‌کنید. این ساختمان در شهر Sacramento در ایالت Colifornia واقع شده است و نمونه‌ای از طراحی «فضاهای منفی» در معماری است، طرح این ساختمان با تحقیقاتی وسیع پیرامون فضاهای منفی در معماری توسط شرکت Site Inc ارائه شده است. در گوشه‌ای از ساختمان شکافی ایجاد شده که بخشی را از بخش دیگر جدا می‌کند، در حقیقت شکاف کناری ساختمان، در ورودی اصلی به ساختمان را مخفی کرده است، بخش جدا شده با وزن ۴۵ تن

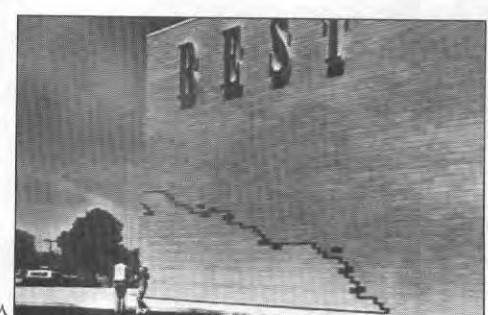
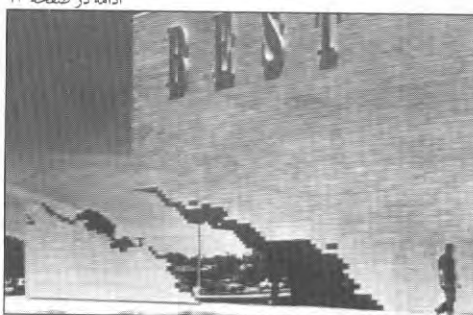
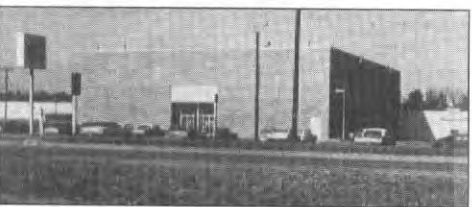
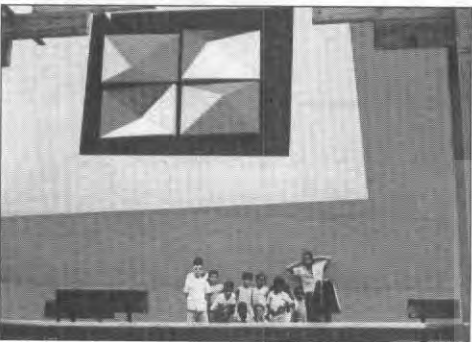
ادامه در صفحه ۳۳

آنچه نقاشی‌های دیواری را در دوران اخیر جالب توجه ساخته، طراحی آن‌ها در ابعاد بزرگ به وسعت یک ساختمان و قرارگیری در فضاهای عمومی شهری است. این تصاویر با هنر معماری شهری تلفیق شده و جزئی از آن به شمار می‌روند. تصاویر دیواری در گذشته به خلق نقاشی‌های اخلاقی، وقایع مذهبی و یا استفاده از آویزهای دیواری محدود می‌شد و تقریباً همیشه در داخل ساختمان‌ها به کار می‌رفت و در فضاهای بیرونی، نقش و کاربردی نداشت. اما امروز با ایجاد تصاویری در فضای بیرون ساختمان‌ها به خیابان‌ها، زندگی و حیات جدیدی بخشیده‌اند و این ویژگی جدید، مهندسین معماری، نقاشان، هنرمندان گرافیک محیطی و حتی عموم مردم را به سوی خود جلب کرده است.

در شهر نیویورک تعداد زیادی نقاشی دیواری قرار دارد این تصاویر به صورت گروهی اجرا می‌شوند و در گذشته هنگامی که این تصاویر کاربردی نداشت فقط در پمپ بنزین‌ها به کار می‌رفتند. ایجاد شبکه‌ای از علایم و راه‌های تصویری در سرتاسر شهر، کاری بسیار مشکل است، برخی مواقع بیشترین بخش دیوار ساختمان خالی مانده و برای هیچ کاری مورد استفاده قرار نگرفته است. با تدبیر نقاشی دیواری می‌توان با بهترین وجه، دیوار را تزئین کرد و یا مواردی را برای مشخص شدن اهداف ساختمان به کار برد.

در طرح‌های گرافیکی با ابعاد بزرگ ممکن است از شیشه‌ی ساختمان‌ها، پله‌های اضطراری، دودکش‌ها و... برای طراحی استفاده کرد. این کار نه تنها به یک دیوار بی‌رنگ، روح و حیات می‌بخشد بلکه به وسیله‌ی تصاویر گرافیکی طراحی شده در سطوح بزرگ و استفاده از رنگ‌های متعدد و غیر متداول، می‌توان طرحی منظم و جامع را علی‌رغم زیر بنای آشفته و از هم گسیخته‌ی شهری از دیدگاه روانشناختی، ایجاد کرد. بنابراین ممکن است بر روی یک دیوار بزرگ با استفاده از لوازم معماری، طرحی را پدید آورد که از نظر خدمات اجتماعی در سطح بالایی قرار بگیرد. انواع تصاویر خیالی، ایده‌های برجسته‌ای جهت استفاده هستند. طرح‌های گرافیکی دیواری می‌توانند نقش مجذوب‌کننده‌ای در راهنمایی و هدایت فرد برای تنظیم برنامه‌های زندگی وی داشته باشند و یا سالن‌های بزرگ و تونل‌های مخوف را که دور از معماری معاصر به نظر می‌رسند چشمگیر سازند. تصاویر گرافیکی دیواری، پیشرفتی در هنر معماری هستند. مسئله‌ی جالب این است که آنچه به عنوان وسیله‌ای تفریحی، تزئینی به کار برده می‌شد اکنون به طور جدی بر هنر معماری تاثیرگذار است. معماری کوشیده تا از شیوه و سبک هنر گرافیک پیروی کرده و از طرح‌های خیالی و سمبلیک برای سطح ساختمان‌ها با ابزار معماری استفاده نماید.

در تصویر شماره‌ی (۱) نمایی از ساختمان Nibankan در شهر توکیو را مشاهده می‌کنید. طراحی عدد (دو) بر روی دیوار ساختمان جدیدالتاسیس، نشان دهنده‌ی دو ساختمان در کنار هم به عنوان مراکز خرید و فروش است، طراح تصاویر Kiyoghi _ Awazu _ Takeyama Minoru می‌باشند.



چیزی برای گفتن

آریا کسای

[مروری بر آثار لوبا لوکوا LUBA LUKOVA]

«این روزها، گفتگوها پیرامون طراحی، به گفتگو درباره‌ی گیگابایت و فتوشاپ تبدیل شده است. وقتی به کنفرانس‌ها و سمینارهای طراحی می‌روم یا مجلات گرافیکی را مطالعه می‌کنم از این که صرفاً به بحث‌های تکنیکی و تجاری پرداخته می‌شود، بسیار ناراحت می‌شوم. من فکر می‌کنم در درجه‌ی اول باید چیزی برای گفتن داشته باشیم، چیزی که بتواند مردم را به حرکت درآورد. ما قهرمانان جاودانه نیستیم، ما متولد می‌شویم، ما از این دنیا می‌رویم، ما فانی هستیم، مثل انسان‌های قرون گذشته. مهم نیست که چقدر پیشرفته هستیم، مهم این است که چیزی برای گفتن داشته باشیم.»

لوبا لوکوا - ۲۰۰۱ - آگوست - ماساچوست - آمریکا
لوبا لوکوا هنرمند بلغاری تبار، مقیم نیویورک است. لوکوا در سال ۱۹۸۱ از آکادمی هنرهای زیبای صوفیه فارغ‌التحصیل شد و در ۱۹۹۱ به آمریکا مهاجرت کرد. او یکی از نمونه‌های مهاجران موفق است که توانسته‌اند با حفظ ارزش‌های فرهنگ تصویری خودشان، روابط کاری آمریکایی را درک کنند و به جایگاهی مناسب در تاریخ گرافیک معاصر جهان نیز دست یابند.

طراحی‌های قدرتمند و گاهی خشن، دفرماسیون‌های خاص تصویرسازی بلوک شرق، روحیه‌ی معترض به سیاست و سیاستمداران از ویژگی‌های آثار لوکوا هستند که ریشه در فرهنگ و شرایط سیاسی و اجتماعی موطن او را دارند.

سادگی از لحاظ فرم در آثار او در خدمت انتقال ایده است. «سادگی، هسته‌ی اصلی دستیابی به یک اثر هنری موفق است و دستیابی به این سادگی بسیار مشکل می‌باشد.»

لوکوا رنگ‌ها را به شکل تخت مورد استفاده قرار می‌دهد. پالت رنگی او نیز مشخص و شناخته شده است. آثار در نهایت با دو رنگ به چاپ می‌رسند که یکی از رنگ‌ها همیشه سیاه است. رنگ دوم معمولاً از درخشندگی خاصی برخوردار است و به ندرت خاکستری‌های رنگی در آثار حضور دارد.

کنتراست‌های قدرتمند رنگی، سادگی آثار، حضور فکر و ایده در کنار دستیابی به شیوه‌ای شخصی موجب شده تا پوسترهای لوکوا جایگاه والایی را به خود اختصاص دهند.

شیوه‌ی طراحی عنوانین پوسترها، استفاده از حروف دست‌نویس بسیار نوآورانه و شخصی است. اطلاعات و نوشته‌ها معمولاً در یکی از چهار گوشه‌ی پوسترها جمع می‌شوند و پراکندگی در این مورد وجود ندارد. این ساختار در طراحی کمک می‌کند تا ایده‌ی پوستر بدون مزاحمت سایر عناصر راحت‌تر به بیننده منتقل شود. تقریباً تمامی مراحل کار توسط دست انجام می‌گیرد و صرفاً مرحله‌ی انجام کار به وسیله‌ی کامپیوتر صورت می‌پذیرد.

لوکوا، سفارش دهندگان خاص خود را داراست. گروه‌های معترض سیاسی، گروه‌های صلح‌طلب، انجمن‌های حفظ محیط زیست و البته کارگردان‌های تئاتر. لوکوا یکی از طراحان

پوستر معروف و مورد توجه در «برادوی» می‌باشد. «تئاتر همیشه درباره‌ی روابط انسانی و احساسات انسان است. در تئاتر همیشه یک قصه وجود دارد، مثل پوسترهای من. ولی همین قصه، بارها و بارها از دیدگاه‌های مختلفی نقل می‌شود. برای من هم بدن انسان موضوعی است که بارها و بارها از جهات مختلف به آن نگاه می‌کنم.»

لوکوا تاثیر بعضی از هنرمندان را در کارهایش انکار نمی‌کند، او از جنبه‌ی سادگی و صداقت، خود را تحت تاثیر هنرهای بومی سرزمین بلغارستان می‌داند. لحن خط در طراحی‌های پیکاسو نیز او را به سوی خود جلب می‌کند. تلفیق فضاهای مثبت و منفی در آثار «موريس اشرا» و قدرت بیان رنگی در آثار اکسپرسیونیست‌های آلمانی نیز او را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند.

او از همه‌ی این‌ها تاثیر پذیرفته است. اما موفق شد تا این‌ها را در خود حل کند و به نگاهی شخصی دست‌یابد. از این رو می‌توان لوکوا را در زمره‌ی طراحان مؤلف این عصر به‌شمار آورد.

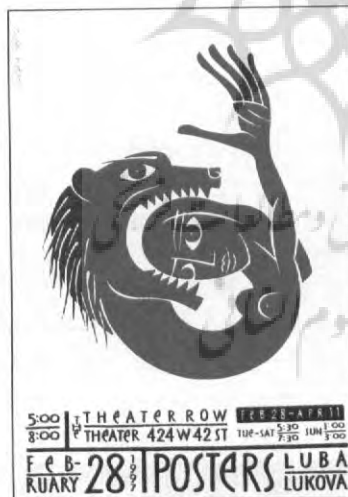
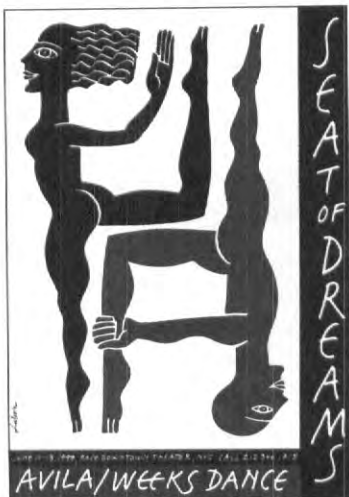
منابع:

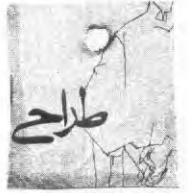
www.Agiaboston.org

www.posterpage.com

How magazine, Apr. 2000, P.59

عبادینی، رضا؛ لوبا لوکوا؛ تندیس، شماره ۱۰؛ صفحه ۲۰؛ تیرماه ۱۳۸۲





And Bells... Vavoom 1984 ink on paper 57x44cm



no title (Popularizer...) 1983 pen and ink on paper 33.7x24



ریموند پتیبون

RAYMOND PETTIBON

آرش صداقت کیش

طراحی‌هایی است که در آن‌ها پتیبون با قرار دادن خود به جای این کاراکتر ناراحتی خود را از سطحی بودن فرهنگ عامه‌ی آمریکایی‌ها بیان می‌کند. مانند جایی در طراحی‌ها که گامبی در حالی که همراه با یک زنی که گویی از یک آگهی تبلیغاتی است می‌گوید: «ما هر دو از عاشقان مارسل پروست کبیر هستیم.» طنزی گزنده که توسط یکی از قهرمانان آثارش یعنی شخصیت انیمیشن خمیری که در سطحی بودن، دست کمی از فرهنگ نقد شده ندارد بیان می‌شود. در مورد این قهرمانان در مصاحبه با Art 21 می‌گوید: «من وقتی درباره‌ی قهرمان حرف می‌زنم منظورم همان شخصیت معمولی که از قهرمانان در نظرمان می‌آید و همراه با ترس و احترام و ستایش است نیست. یک احترام درونی باید بین قهرمان و طرف‌دارانش ایجاد شود. من برای گامبی احترام خاصی قائلم و معتقدم هر کسی باید شخصیت‌های انیمیشن را با رئیس‌جمهور مقایسه کند. گامبی یا هر کس دیگر فرقی ندارد، آن‌چه که واقعاً کارتون است ریاست جمهوری است و این کاراکترها شخصیت‌های بزرگ و عالی هستند. من دوست دارم آثاری را به‌وجود آورم که «گامبی» یا «واووم» یا «فیلیکس گریه» و هر کاراکتر دیگری به‌نظر من شخصی قابل احترام بیاید و مخاطبین آثار به صحبت‌های آن‌ها توجه کنند.»

جهت تخریب موضوع اثر پیش می‌رود و این تخریب، تلخی و گزندگی آثار پتیبون را دوچندان می‌کند. وی در آغاز زندگی حرفه‌ای‌اش به‌عنوان هنرمند علاقه‌مند به «ادوارد هاپر»، «رجینالد مارش»، همه‌ی نقاشان «School AshCan» و همچنین نقاشی‌های آخر «فیلیپ گاستون» بوده است که تأثیر این نقاشان را به‌خصوص در نوع نگاهشان به جامعه‌ی آمریکا را در آثارش می‌توان ملاحظه کرد. علاوه بر آن به آثار «بلیک»، «گویا» و «اتودیکس» هم در کارهای وی غالباً مورد اشاره قرار می‌گیرد. در میان انبوه موضوعات مختلفی که برای کشیدن انتخاب می‌کند قهرمانان مشخصی را در طول سال‌ها تکرار کرده که خود یکی از وجوه مشخصه‌ی آثارش شده است. مانند شخصیت‌های انیمیشن‌های دهه‌ی ۶۰ و بازیکنان بیس‌بال خصوصاً شخصیت انیمیشن‌های خمیری گامبی که به دلیل اجرای مرکبی از لطافت آن کاسته و بیشتر تبدیل به کاراکتری جدی و گزنده شده است. گامبی که یک شخصیت محبوب هیپی‌ها در دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ میلادی بود گونه‌ای خودنگاره یا خود دیگر برای هنرمند است. این‌که گامبی در بعضی ایزودهای سریال، در زمان حرکت می‌کند و با شخصیت‌های تاریخی وارد پرسش و پاسخ می‌شود سرآغازی برای

در میان هنرمندانی که در دوده‌ی اخیر در عرصه‌ی جهانی مطرح شده‌اند، تنها تعداد محدودی، طراحی را به‌عنوان ابزار بیانی خویش برگزیده‌اند، که در این میان شاید بتوان گفت ریموند پتیبون شاخص‌ترین آن‌هاست. هنرمندی که آثار طراحی وی در سال‌های اخیر شهرت بسیاری را برایش به ارمغان آورده است. غالب طراحی‌های پتیبون با استفاده از مرکب سیاه و به ندرت با اندکی اشارات رنگی به‌وجود آمده‌اند و به فرهنگ و جامعه‌ی آمریکا به‌طور کلی و جامعه‌ی جنوب کالیفرنیا محل کار و زندگی وی، به صورت اخص می‌پردازند. تنوع موضوعی و تعداد این آثار قابل توجه هستند. موضوعاتی از قبیل تصاویر برگرفته از مجلات و چهره‌های سرشناس دنیای رسانه‌ها از جنایت‌کارانی مانند چارلز منسون گرفته تا ریگان و نیکسون و کندی، شخصیت‌های انیمیشن، گروه‌های پانک و هیپی و ورزشکاران، به‌خصوص بازیکنان بیس‌بال، تنوع قابل ملاحظه‌ای که کمتر نشانه‌ای تصویری خارج از فرهنگ آمریکایی به آن راه پیدا می‌کند. نحوه‌ی اجرای آثار و طرز استفاده‌ی او از قلم‌مو و مرکب، غالب اوقات تحت تأثیر کمیک‌های زیرزمینی کاریکاتورهای سیاسی مجلات و فیلم‌های نوار است که با اجرای آزادتر در



no title(it is a) 2000 ink on wall



فراخوان

چهارمین دوسالانه بین المللی نقاشی معاصر جهان اسلام، به منظور ایجاد زمینه ارتباط میان هنرمندان در ارائه ویژگی های نقاشی معاصر جهان اسلام (کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی در کشورهای غیر اسلامی) برگزار می گردد.

سازمان دهنده: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران
برگزار کننده: موسسه فرهنگی هنری صبا

اهداف

- ایجاد زمینه مناسب برای ارتباط فرهنگی و تبادل تجربه های هنری نقاشان جهان اسلام
- توجه به تجربه های تصویری هنرمندان جوان جوامع اسلامی
- بررسی و تاکید بر زمینه های هویت فرهنگی و معنوی هنر اسلامی در آثار نقاشان معاصر جهان اسلام

بخش ها

- ۱- بخش خیال شرقی
- ۲- بخش آزاد

آخرین مهلت ارسال آثار: ۱۳۸۵/۴/۳۱
زمان نمایشگاه: از ۸ آبان لغایت ۲۲ آذر ۱۳۸۵

شرایط شرکت

- شیوه و نحوه اجرای آثار، آزاد است.
- هر هنرمند می تواند حداکثر ۵ تصویر از آثار خود را در هر بخش به دبیرخانه نمایشگاه ارسال نماید.

- تصاویر آثار باید به صورت CD (با فرمت tif یا jpg) و با وضوح 300 dpi و اندازه تقریبی ۱۵×۱۰ سانتی متر) یا عکس یا پرینت در قطع A4 و یا اسلاید باشد.
- ضروری است همراه با تصاویر آثار، نام و نام خانوادگی هنرمند، عنوان اثر، ابعاد، تاریخ آفرینش و شیوه اجرا در پایین تصویر اثر قید شود.
- لازم است زمان آفرینش آثار، سال های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ باشد.
- بزرگترین ضلع هر اثر بیشتر از ۳۰ سانتی متر و کوچکترین ضلع آن کمتر از ۵۰ سانتی متر نباشد.

نحوه ارسال و مراحل انتخاب آثار

- تصاویر ارسالی آثار، باز گردانده نخواهد شد.
- تصاویر فاقد کیفیت، بازبینی نخواهد شد.
- در صورت انتخاب آثار، از هنرمندان دعوت به عمل خواهد آمد تا اصل اثر (آثار) را برای انتخاب نهایی و شرکت در نمایشگاه به دبیرخانه دوسالانه ارسال نمایند.
- فرهنگستان هنر می تواند از آثار ارسالی در تبلیغات و انتشارات خود استفاده نماید.

جوایز

- الف) جایزه ویژه فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران شامل:
 - تندیس و لوح افتخار فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران و ۲۵ سکه بهار آزادی برای یک هنرمند برگزیده ایرانی
 - تندیس و لوح افتخار فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران و ۲۵ سکه بهار آزادی برای یک هنرمند برگزیده غیر ایرانی
- ب)
 - لوح افتخار فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تندیس موسسه فرهنگی هنری صبا و ۱۰ سکه بهار آزادی به هر یک از ۶ برگزیده ایرانی
 - لوح افتخار فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تندیس موسسه فرهنگی هنری صبا و ۱۰ سکه بهار آزادی به هر یک از ۶ برگزیده غیر ایرانی

دبیر نمایشگاه: مهدی حسینی

شورای علمی و هیات انتخاب آثار

ایرج اسکندری، محمدعلی ترقی جاه، مهدی حسینی، حبیب اله صادقی، مصطفی گودرزی

هیات داوران: متشکل از چهار نفر ایرانی و سه نفر غیر ایرانی خواهد بود.

آدرس دبیرخانه اجرایی نمایشگاه:

خیابان طالقانی، خیابان شهید برادران مظفر، شماره ۵۳، موسسه فرهنگی هنری صبا، تلفن: ۱۱-۰۸۶۴۹۴۵۰۸، شماره: ۱۲-۶۶۴۹۴۵۱۲-۶۶۴۸۷۵۲۴

پست الکترونیک: artacademy@honar.ac.ir

دبیرخانه اجرایی نمایشگاه: محمد رضا حسین خانی

دبیرخانه امور بین الملل: اکرم پوراکی

هنرپنجشنبه



موسسه فرهنگی هنری صبا



چهارمین دوسالانه بین المللی
نقاشی معاصر جهان اسلام

با حضور ابراهیم حقیقی و مسعود سپهر

مقررات:

- ۱- آثار باید به صورت فایل و بر روی CD و با دقت ۳۰۰ dpi و مد رنگی CMYK و در ابعاد اصلی ارسال شود.
- ۲- به همراه هر اثر پرینت رنگی آن در ابعاد A3 بدون پس‌زمینه و قلب ارسال شود.
- ۳- هر شرکت کننده مجاز به ارائه حداکثر ۳ طرح پوستر خواهد بود.
- ۴- پوستر ها با محوریت موضوعی مرتضی ممیز بوده و به نوعی به یاد ایشان مربوط باشد.
- ۵- تکنیک اجرای پوستر آزاد است و مطالب نوشتاری موجود در آن به انتخاب طراح بستگی دارد.
- ۶- آثار باید حداکثر تا تاریخ ۱۳۸۵/۲/۳۱ به نشانی دبیرخانه مراسم ارسال یا تحویل داده شده باشد.

تلفن: ۸۷۸۱۵۱۴

www.momayezonline.com

e-mail: info@momayezonline.com



پروژه همکاری علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جایزه
طراحی
پوستر
بزرگداشت
ممیز

مشهد

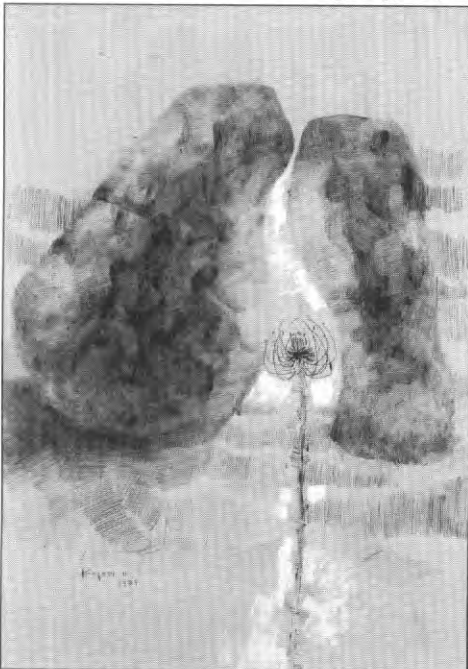
خرداد ۱۳۸۵

مقابله بی حریف طراحی

محمدحسن حامدی

[یادداشتی بر نمایشگاه طرح در برابر طرح / گالری هما]

زنده یاد حسین کاظمی



نیست، همان شیوه قدیمی رنسانس. دلیل آمدنش در این مجموعه، مبهم است (اگرچه وجود هنرمند در این جمع معتنم و مبارک است). یعنی وی می‌خواسته بگوید که طراحی را در این حد و حدود بلد است. به زعم اینجانب طراح هر چند هم که قدر باشد نیازمند دانش طراحی معاصر است. دانشی که حرف مستقل و منحصر به فرد خود را سال‌هاست در جهان هنر بروز داده است.

دیگر اثری از محمدعلی بنی‌اسدی که سال‌هاست روانی خط و سیالی ذهن، در کارهایش مطابقتی شایسته یافته و به تشخیصی جذاب رسیده است. در اینجا اما گویی سیالی، کیفیت خود را با شلختگی معاوضه کرده و اگرچه رنگ و خط و... از قدرت خود خبر می‌دهد اما به نظرم جای این کار بهتر است پیش خود هنرمند باشد تا در یک مجموعه‌ی خصوصی که صاحب آن با سلیقه، کارهایش را انتخاب و خریداری می‌کند. بنی‌اسدی سماجت و گرچه خوردگی محکمی با تصویرسازی دارد و اگرچه می‌کوشد طراح و نقاش نیز باشد اما بیشتر همان تصویرساز است، چرا که طراحی ناب چیزی ورای این توانمندی‌هاست.

دیگر توکا نیستانی که اثرش با همه فرق اساسی دارد، چرا که اصولاً طراحی نیست، کاریکاتور است. قدرت دست در طرح تصویر، مثال‌زدنی است اما تعریف طراحی فقط قوت ترسیم و تکرار رنگی آن نیست. می‌دانم که این فهم مختصر چیزی نیست که نیستانی بزرگ از آن بی‌خبر باشد، با این همه من این حضور را می‌گذارم به پای کم‌دقتی و یا اصولاً بی‌خیالی.

دیگر بهرام دبیری، مثل همیشه تصویر زنی که حالا آشنای همه است و باز مثل همیشه «قشنگ»، کار منورپرینت است و شاید قیمت سیصد هزار تومانی آن قدری بالا باشد.

دیگر قباد شیوا با اثری ساده و بی‌ادعا. خط و رنگ در این جا شباهتی مانوس با آثار گرافیکی وی یافته است. اما با این همه ماحصل، طراحی است و نه گرافیک، ساده و شیرین.

دیگر شهروز نظری که بسیار از وی کار دیده‌ایم. این اثر اگرچه تداوم همان‌هایی است که سراغ دارم، اما انتخابش برای این نمایشگاه، چنگی به دل نمی‌زند. اگر عنوان نمایشگاه را به گونه‌ای مقابله طراحانه بینداریم، بالطبع شایسته بود که دوستان عزیز چیزی در جد مقابله بیآورند. چیزی شبیه همان جدیتی که شهروز در نقدهایش دنبال می‌کند. از طرفی انگار دوست عزیز من جسارت و گستاخی ستودنی نقدهایش را در طراحی ندارد. شاید قدری به فروش آثارش هم فکر کرده است.

خط و رنگی که در این کار، پیکره انسانی نشسته را رقم‌زده، شیرین است و می‌توانست با همین مقدار، کار تمام شود اما وسوسه نمایش یک پرنده در گوشه کادر، کار را به ورطه تصویرسازی هل داده است.

دیگر رکن‌الدین حایری با اثری به نام «ملا نصرالدین» که واضح است داستانی نیز بر آن مترتب باشد، جسارت قلم‌گیری

هنر طراحی را در این سرزمین می‌بایست فراموش شده تلقی کرد. نه این که طراحی، جریان خود را باخته باشد بل به این معنا که بی‌مهری بسیار این سال‌ها این تحفه‌ی ارزشمند را به حاشیه رانده است. اولین و آخرین نمایشگاه ملی آن در سال ۱۳۷۹ در موزه هنرهای معاصر برگزار شد، انجمنی به این نام نداریم و در دانشکده‌ها چندان بر آموزش آن پافشاری نمی‌شود. آن‌چه در گذشته، ارزش و اعتبار هنرمند با مقیاس و محک آن سنجیده می‌شد، اکنون مسئله‌ای قابل اغماض است و این واقعیت، بی‌گمان یکی از سنگین‌ترین لطمه‌هایی است که بر پیکر هنرهای تجسمی ما وارد آمده است.

حال اگر بارقه و یا سوسویی از این هنر را بتوان در نمایشگاه و یا نگارخانه‌ای مشاهده کرد، پیشاپیش قابل تامل خواهد بود، اگرچه به تجربه می‌توان گفت این اشتیاق دیرپا نخواهد بود و بعضاً پس از دیدن آثار، سرخوردگی جای آن را خواهد گرفت.

این که «طراحی چیست»؟ سوال جدل‌برانگیزی بود که صاحبان تحقیق بسیار کوشیدند پاسخی را برایش بیابند اما گویی این گره، ناگشودنی است. تعریف‌ها به جای خود، اما آن‌چه در حافظه و در خیال می‌توان طراحی دانست، کیفیت دیگری است. در واقع بخشی از آسیب‌ها از همین جا پامی‌گیرد. بعضاً طراحی با نقاشی، کاریکاتور، پیش طرح (اتود)، راندو و... اشتباه گرفته می‌شود. امکانات گسترده‌ی این هنر به گونه‌ای است که هر کسی می‌تواند ادعای احاطه بر آن را داشته باشد. اما واقعیت آن است طراحی آن است که خود بگوید نه آن‌که مدعی اظهار نماید.

نمایشگاه «طرح در برابر طرح» که در بین روزهای ۲۶ فروردین تا ۱۱ اردیبهشت در گالری هما در حال برگزاری است، شاید محک مناسبی بر این ادعا باشد (البته به زعم صاحب این قلم). از همان ابتدا که کار «ایرج اسکندری» به دیوار آویخته شده، می‌توان شروع کرد. طرحی با عنوان الهه‌ی پیروزی که در واقع اثری عکس‌گونه است از مجسمه «سامو تراس». کار، فروشی نیست؛ تاریخ گذشته‌ای دور را بر خود دارد و به مجموعه‌ی شخصی نقاش تعلق دارد. به عبارتی می‌توان گفت تابلو، مورد علاقه‌ی هنرمند است. ساخت و ساز دقیق، حکایت از توانمندی صاحب آن دارد. اما فقط همین و بس. ترکیب‌بندی در ساده‌ترین وجه است. حرفی از جنس معاصر در میان



ایرج اسکندری

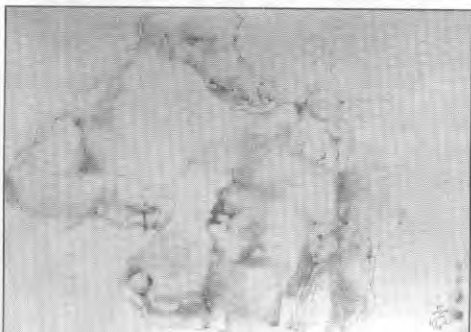
و شتاب ترسیم، ستودنی است و خود حامل کیفیتی مطلوب شده است اما گویی ذهن و دست هنرمند هنوز هماهنگی کامل را با هم ندارند و شتاب دست طراح چنان است که کنترل آن از ذهن خارج شده. به عبارتی دست، پیش‌تر از ذهن عمل می‌کند به همین دلیل هنوز خط‌هایی در کار می‌بینیم که اضافی است.

مثل ریش ملانصرالدین و چند نخ از سبیل حیوان.

دیگر فرهاد گاوزن با اثری انتزاعی که شاید بتوان اندکی از فیگورهای انسانی را در آن تشخیص داد. کار با همان سبک و سیاق قدیمی انجام پذیرفته که وی در آن، کهنه کار شده است. این تداوم که سال‌هاست گاوزن بر آن پا می‌فشارد، اکنون می‌تواند به عنوان یک مفهوم تلقی شود. مفهومی که مثلاً از یک زاویه می‌تواند شایسته عنوان طراحی باشد.

دیگر احمد امین نظر با طرحی رنگ و رو رفته که چند دست و یک سر و چند سبب را در هم بافته است. خاموشی و ضعف رنگ اگرچه می‌تواند مفهومی قابل تأمل در تصویر باشد اما در اینجا کمکی است به مخاطب تا یکی از ضعیف‌ترین آثار نمایشگاه را کمتر ببیند.

امین نظر که قدرت، قوت، دانش، شعور و... او در طراحی معاصر ما مثال‌زدنی بود حالا کافی است تا با یکی دو نمایشگاه دیگر همه ارزش‌های خود را نابود و زیر علامت سوال ببرد. کسی که آثارش به ما شعور نگاه به سنت را می‌آموخت، حالا



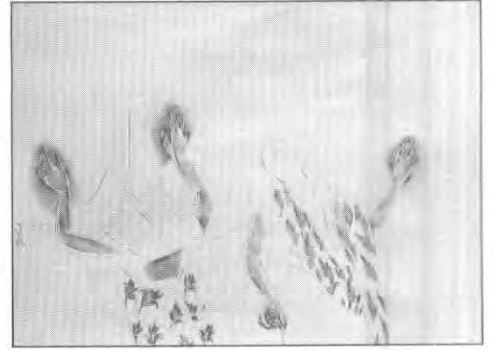
احمد امین نظر



محمدعلی بنی‌اسدی



سلیم ناظریان



کوشیده تا از تصویر یک دست، پوزه یک گراز هم به دست بدهد.

دیگر مهدی حسینی با اثری که دو زن را از پشت به ما می‌نماید. کار شسته و رفته‌ای که دانش و فهم بالای طراحی معاصر را پیشاپیش برای ما نمایان می‌کند. با این همه، هم این اثر و هم چند تایی که مدتی قبل در گالری دی به نمایش گذاشته شد و داستانی از شاهنامه (به گمانم) را روایت می‌کرد، چنگی به دل صاحب این قلم نمی‌زند. شاید به این خاطر که نمایشگاه سال‌ها پیش ایشان، هنوز نصب‌العین من هستند و از قوتشان خبر دارم. قوتی که داستان ترسیم را به زندگی خود استاد وابسته می‌کرد. مثل تابلوهای طبیعت بی‌جان، دختر در کنار چند صندلی متلاشی و...

دیگر اثری از احمد و کیلی با طرح یک چهره درشت از یک زن و بازنمایی دو چهره‌ی دیگر. تاش رقیقی از رنگ آبی به زمینه لطافتی خاص بخشیده. کار دیدنی است اما بعضاً این دو تکه بودن تصویر در آثار متأخر آقای و کیلی به دوگانگی منجر شده است. نیمه‌ای محکم و استوار نظیر چهره‌ی درشت زن و نیمه‌ای متزلزل نظیر تصویر دو زن که اگر چه شاید هر دو به طور مجزا طرحی محکم و استوار باشد اما در واقع جمع آن دو به بدنه اصلی کار لطمه زده است. (این نکته حتی در آثار چاپی ایشان که در گالری «هور» چندی پیش به نمایش درآمد قابل تحقیق است.)

دیگر دو اثر از حسین کاظمی که حضورش در جمع هنرمندان زنده قدری آدم را شوکه می‌کرد. مرحوم حسین کاظمی بزرگ بی‌هیچ ادعا و حضور مقابله‌گونه‌ای محکم در این نمایشگاه ایستاده. با طرحی از یک سنگ و یک شاخه گل خشک‌خاش. سنگی که بی‌سنگی را تصویر می‌کند و گلی که دیگر گیاه نیست و اگر باشد از همان نوع مثالی است که در هنر نگارگری سراغ داریم.

در آثار کاظمی اوج تناسب و هم‌خوانی خط و فرم را می‌توان مشاهده کرد. می‌توان لحظات ناب طرحی را دید که در آن بدون سخن مضاعف، فرم و خط با هم همراه شده‌اند.



منوچهر معتبر



دیگر رزینا شرف‌جهان با تابلو زنی چادر به سر که چنگکی در مقابل دارد. این تصویر می‌بایست باقی مانده از آخرین نمایشگاه ایشان باشد که چندماه پیش در نگارخانه طراحان آزاد به نمایش درآمد. آثاری بیش از حد معمول شعاری، بی‌رمق و به دور از واقعیت‌هایی که چشم ما می‌بیند و بر زن ایرانی مترتب است.

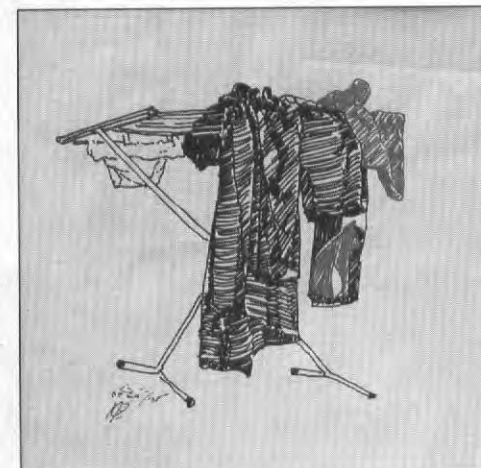
گفتم تابلو، چون کار نقاشی است و نه طراحی. بدیهی است که اگر رنگ را از نقاشی برداریم، طراحی نخواهد شد.

دیگر اثری از کریم نصر که تکنیک آن ترکیبی است، ترسیم خط و کلاژ عکس. اثری که در بدو دیدار، احساسی خوشایند را به آدم منتقل می‌کند اما هر چه بیشتر به آن نزدیک می‌شویم، ضعف‌های پنهان، بیشتر خودنمایی می‌کنند. کریم نصر در این نمایشگاه و در نمایشگاه هم‌زمانش در خانه‌ی هنرمندان، قلم و نگرش خود را تعریف و تدوین کرده است. اما اگر در جاهایی ناموفق است شاید به آن دلیل باشد که به زعم من به کمال مطلوب دست نیافته. نصر، اهل همه کاری هست، نقاش، مجسمه، تصویرسازی و در تمامی آن‌ها می‌کوشد با اندیشه‌ای واحد، بل ارتباطی منسجمی را مابین آن‌ها برقرار کند که در بعضی نیز موفق است اما واقعیت آن است که این‌ها هر کدام استقلال بیانی خاصی را می‌طلبند. همین نقد را می‌توانم متوجه کاری از خسرو خسروی که در نمایشگاه موجود است معطوف دارم.

دیگر کار فرشید شیوا و احمد رضا دلوند که کارشان هیچ نبود و چیزی به دست نمی‌داد. نه ترکیب‌بندی قابل تأملی، نه رنگ، نه قوت قلم و نه حتی احساسی ستودنی. البته شنیده‌ام که فرشید، توانایی بسیاری در طراحی و نقاشی رئال دارد اما در حیطه‌ی انتزاع که ما چیزی ندیدیم.

دیگر سلیم ناظریان که مناظر روستایی را خوب می‌کشد. اما به نظرم جای اثرش در اینجا نباید باشد چون هنوز از مرز «راندو» چندان فاصله نگرفته است.

دیگر دو اثر از ایرج زند که ظاهراً اتودی است برای تابلوهای نقاشی اش. قدرت و قوت طراحی، غیرقابل انکار است. اما



قیاد شیوا



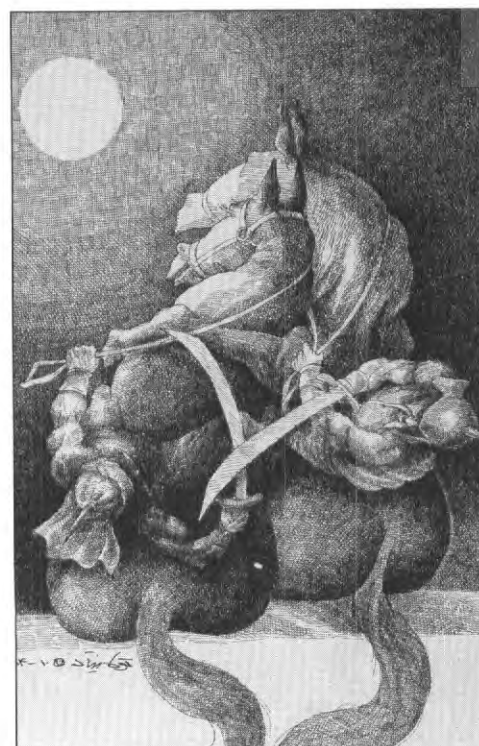
پیش از آن‌که طرحی مستقل باشند اتودی هستند وابسته به نقاشی و پیش طرح، طراحی نیست.

نمی‌لا امیرابراهیمی که انتخاب اثرش برای این نمایشگاه، پاک دل‌سرد کننده است. چند گل گلایل ساخت و سازه شده رنگی که بیشتر به کاغذ دیواری می‌ماند تا طراحی و حتی نقاشی. اگر بخواهم توجیهی برای حضور این اثر در این نمایشگاه بتراشم، فرض می‌کنم که در غیاب هنرمند، کودکی این اثر را از دیوار خانه برداشته و به نمایشگاه بیک کرده است.

و آخر اثری از منوچهر معتبر با همان طرح‌های شناخته شده زن‌های چادری اما این بار با لطفی کمتر چرا که چهره‌ها پیش از آن که پرداخت و ظرافتی طراحانه داشته باشد، زمختی و حل ناشدن سایه بر بخش‌هایی از تصویر فایق آمده است. بهترین نمایشگاهی که از معتبر سراغ دارم آثاری بود که سال‌ها پیش در گالری اثر (درکه) به نمایش گذاشت، لطف و لطافت آن یگانه آثار طراحی، هرگز در نمایشگاه‌های دیگر تکرار نشد اما در راستای این عقب‌نشینی، قیمت آثارش را بی‌رویه افزایش داد تا این که در این نمایشگاه رکورد یک میلیون و صد و پنجاه هزار تومانی را طلب کرد که البته نه قیمت طراحی است و نه قیمت طرحی از معتبر.

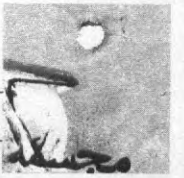
در یک نگاه به همین مقدار آثار ارائه شده می‌توان به یک جمع‌بندی کلی دست پیدا کرد. طراحی در این جغرافیا هنوز به عنوان هنری مستقل جایگاه خود را نیافته است و بعضاً آنانی که می‌بایست حرمتش را پاس دارند با احتمال خود، نادیده‌اش می‌گیرند.

شاید از همین رو باشد که طراحی، هنری بکر و قابل توسعه است. بی‌خود نیست که امروز دنیا هنرمندانی را می‌شناسد که صرفاً طراح‌اند. طراح بی‌هیچ قیدی به نقاشی، کاریکاتور، پیش‌طرح، راندو و ...



توکا نیستانی

آزادی و اسطوره در آثار دیوید اسمیت



مترجم: ژیلا مبصر

منبع: Sculpture/January /2006

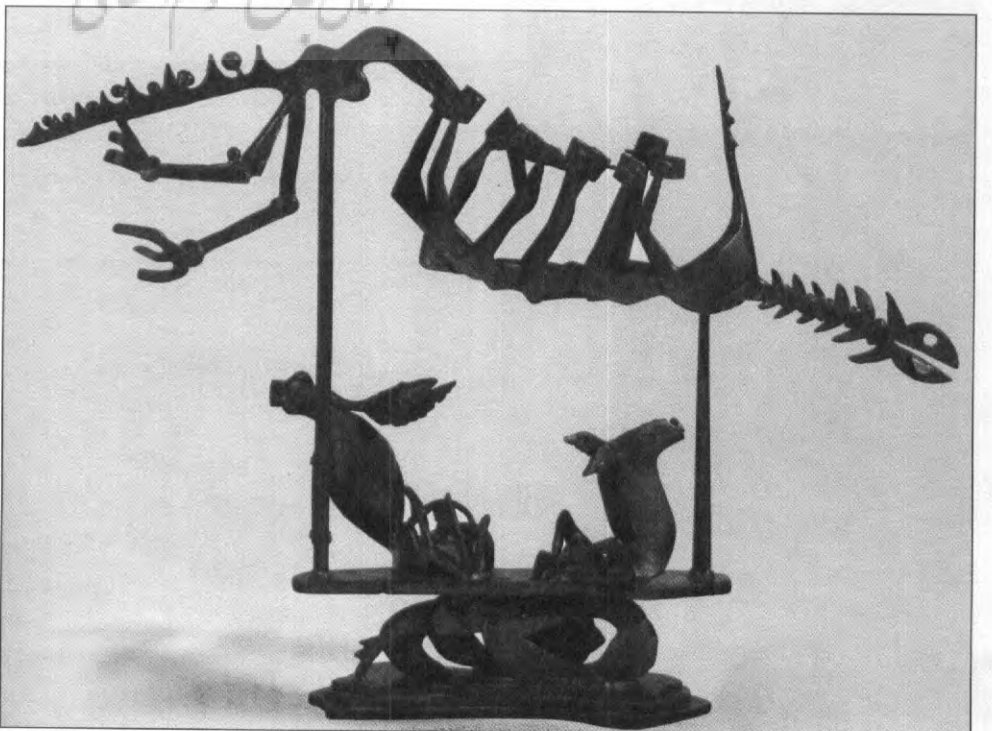
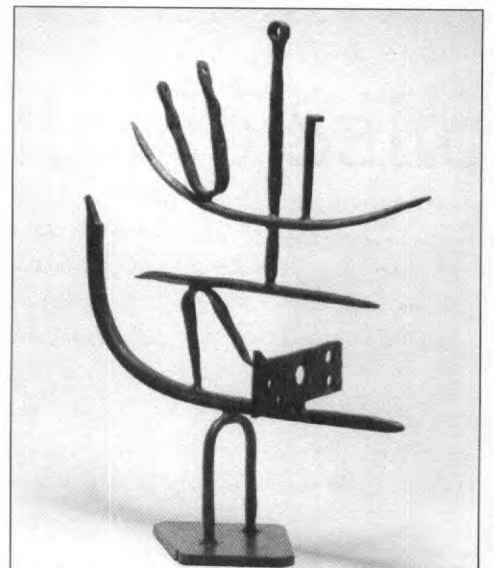
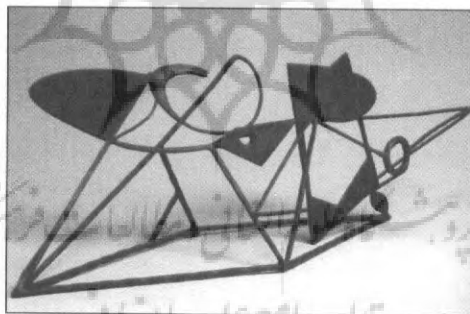
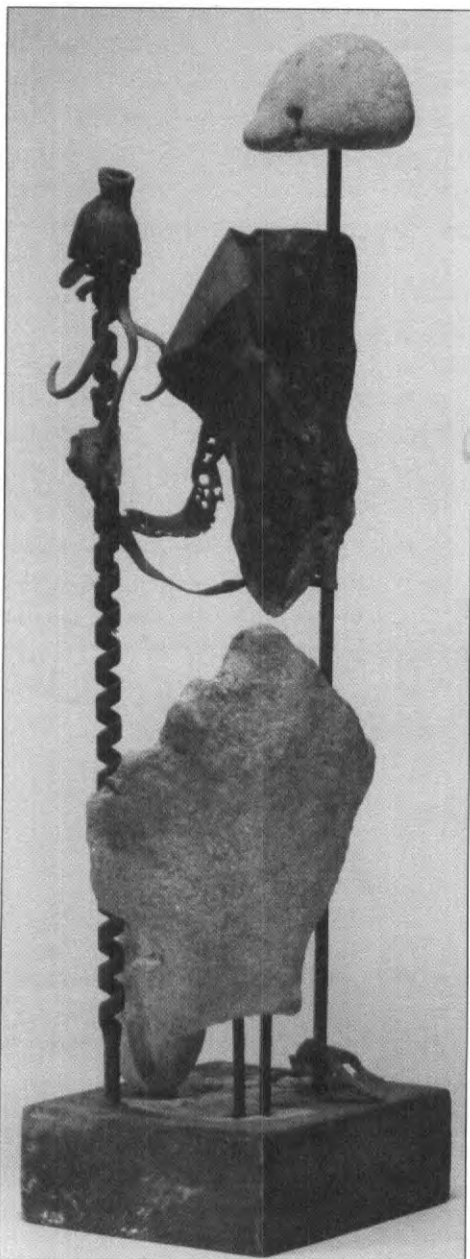
در بند نیست.» در سال ۱۹۵۹ تأکید او در رها شدن از بند رسومات و حیطة قدرت بود. تأکیدی که بعدها در سال ۱۹۶۱ در محدود قلمداد کردن آتلیه و بازار هنری در مصاحبه‌ای با «دیوید سیلوستور» (۳) مطرح شد. زمانی که یکی از دوستان او تابلویی با اندازه‌های غیر متعارف (۲۶ فوت طول و ۱۰ فوت عرض) کشید باعث تشویق او در جهت آزادی شد. این تابلو برای هیچ سطحی مناسب نبود ولی اشتیاق هنرمند در انجام این کار بود. پافشاری اسمیت در طول سال‌های کاری‌اش برای داشتن حق امتیاز برای تصمیمات خود به‌طور آزادانه بود. اگر به کارهای او نگاه کنیم متوجه این هدف می‌شویم. قرار دادن اشیاء قالب‌گیری شده در کنار هم بیانگر این هدف است. او در جستجوی مکان‌هایی بود که فلزات متروکه و از کار افتاده را روی هم می‌ریختند. تشخیص و جمع‌آوری این اشیاء و انتخاب دوستانی که با توجه زیاد هر چیزی را که پیدا می‌کردند تحویل او می‌دادند راه‌های اولیه‌ی کار برای او بود. قرار دادن وسایل کشاورزی و صنعتی قالب‌گیری شده در کنار هم و اصرار او در این کار یکی دیگر از کوشش‌های او بود. در طی مراحل ذوب وقتی اشیاء فلزی به‌صورت دیگری درمی‌آمدند او از آن سمبل جدید می‌ساخت. او هرگز به این کارها خاتمه نداد، و حتی در هشت سال آخر عمرش مجسمه‌هایی در کنار کارگاه و منزلش ساخت که کاملاً متفاوت بودند.

پی‌نوشت:

David Sylvester. ۲ Clement Greenberg. ۲ New Man. ۱

اسمیت، کار هنری خود را با نقاشی شروع کرد. در این هنر بود که وی نشان داد اسطوره و آزادی همیشه در هم آمیخته است. او هر روز ساعت‌های متوالی نقاشی می‌کرد. اما این کار فقط در آتلیه نبود بلکه در مکان‌های مختلف از جمله هتل‌ها، قطارها، تختخواب بیمارستان‌ها و در هر جای دیگری که او آن‌جا بود و بر روی کاغذهای مختلف کشیده می‌شد. نقاشی‌های او اما در هر حالت، جستجوگر، آرامش بخش و رویایی بود. این نقاشی‌ها گفته‌ی «نیومن» (۱) را تأیید می‌کند که: «اولین بشر، هنرمند و اولین گریه، موسیقی بوده است» چرا که اسمیت نیز گفته است: «اولین خطوطی که بر دیوارها پیدا شد، نوعی ابداع آزادی بوده است.» در حقیقت دیوید اسمیت یکی از رهبران بزرگ آزادی هنر در آمریکا است، چیزی که او درباره‌اش بسیار صحبت کرده و بسیار نیز نوشته است و آن را همیشه در زندگی و هنر خود لحاظ کرده است. او از این که به وسیله‌ی قوانین و کلیشه‌های خاصی در بند باشد امتناع می‌ورزید. اسمیت کاملاً خود را در انتخاب، آزاد گذاشته بود. او برای همه روشن ساخت که هر کاری بخواهد انجام می‌دهد. وابسته به هیچ مکتب و یا قانون هنری نیست. اسمیت، ساخت و تجربه در کار هنری را با آزادی و رهایی مشخص می‌کرد. در سال ۱۹۵۰ در گفتگویی درباره‌ی تدریس مجسمه از قول «گرینبرگ» (۲) گفت: «نقاشی به وسیله‌ی امپرسیونیسم از مجسمه رها شد، مجسمه به وسیله‌ی کوبیسم از انحصار درآمد، و آزادی فکر انسان هم به وسیله‌ی کار هنری است که

برای کسانی که به مجسمه‌سازی معاصر علاقه‌مند هستند، شخصیتی مانند دیوید اسمیت فردی مشخص و شناخته شده است. کمتر علاقه‌مندی به (مجسمه‌سازی) وجود دارد که مجموعه مکعب‌های استیل اسمیت را ندیده باشد. با این اوصاف و با توجه به سیاست کلی نشریه مبنی بر عدم معرفی مجدد هنرمندان تثبیت شده که احياناً چند دهه از فوت آن‌ها می‌گذرد و این که در کتاب‌های تاریخ هنر به‌اندازه‌ی کافی به آنان پرداخته شده است، شاید چاپ مطلبی درباره‌ی دیوید اسمیت چندان تازگی نداشته باشد. اما به‌نظر می‌رسد کمتر منبعی اطلاعات کاملی از عقاید و یا آثار دیگر او معرفی کرده است. به همین دلیل مطلبی را که در ذیل می‌خوانید جهت آشنایی با گوشه‌ای از زوایای ناشناخته‌ی زندگی و آثار این مجسمه‌ساز است که از قلم Michael Brenson ترجمه شده است:



چند نوشته از زنده یاد فربودنیا

قسمتی از نامه محمد فربودنیا به برادرش مهدی ۱۳۵۰/۵/۱

گاهی اوقات از خودم سوال می‌کنم که چرا باید از این همه زیبایی، از چهره‌های پیر و استخوانی و آدم‌های رنج‌دیده مجسمه بسازم. ولی جوابی برای این سوال پیدا نمی‌کنم. به هر حال آن‌چه مهم است این است که از کار روی این سوژه‌ها لذت می‌برم.

مهدی جان می‌دانی که وقتی در مشهد بودم خیلی وقت‌ها به جای رسیدگی به وضع معازنه، کاغذ باطله برمی‌داشتم و با مداد یا قلم‌مو از هر موضوعی که می‌دیدم طراحی می‌کردم. معتادانی که روی تخت قهوه‌خانه حسن طلا چرت می‌زدند، زائران حضرت که کشش به‌پا نداشتند و شب‌ها در اطراف فلکه حضرت به عشق زیارت می‌خوابیدند. حمال‌هایی که روی پشتشان دو برابر وزنشان بار می‌گذاشتند.

آن وقت‌ها هفته‌ای یک‌بار به کارگاه آقای «دولو» می‌رفتم و او طرح‌هایم را از نظر آناتومی، کمپوزیسیون و ترکیب‌بندی در صفحه بررسی می‌کرد و مشکلاتشان را تذکر می‌داد.

نمی‌دانم چرا مدتی است که به طراحی از اسب‌ها علاقه‌مند شده‌ام و هفته‌هاست که از این حیوان طراحی می‌کنم. روزهای متوالی ست که به یکی از اصطبل‌های اطراف شهر می‌روم و با تحمل بوی مشمئزکننده‌ی پهن و مگس، ساعت‌ها از روی آن‌ها طراحی می‌کنم. نمی‌دانی چه لذتی از این کار می‌برم.

مهدی جان از تو معذرت می‌خواهم که نتوانستم همکار خوبی در دکان باشم برای این که هنر و کاسبی با هم جور در نمی‌آید و این دو در یک نفر جمع نمی‌شود. اصلاً به درد کاسبی نمی‌خورم. بهتر است که از همین حالا حقیقت را بگویم تا عمری کاسبی کنم و بعد از این که دستم خالی شد بفهمم که می‌باید دنبال هنر می‌رفتم. مگر زندگی را چند بار خدا می‌دهد. یک‌بار که بیشتر نمی‌دهد پس باید راهی را در پیش گیریم که از آن لذت ببریم و دوست داشته باشیم.

۱۸ ژانویه ۱۹۷۵



امروز فرصتی پیش آمد که از موزه «بوردل»، مجسمه‌ساز فرانسوی دیدن کنم. موزه کوچک «بوردل» در اطراف برج «مون پارناس» قرار داشت. پس از نیم‌ساعت چند خیابان کوتاه و پر پیچ و خم، پیرسان پیرسان خودم را به موزه رساندم و با کارت دانشجویی بلیطی نیمه‌بها دریافت کرده و وارد شدم. سالن جلای شامل مجسمه‌های گچی با اندازه‌های طبیعی بود که اکثر آن‌ها به صورت پرتو و نیم‌تنه کار شده بودند. در ادامه وارد سالنی بزرگ‌تر شدم که ارتفاع بیشتری داشت. در آن‌جا کارهایی با ابعاد بزرگ‌تر دیده می‌شد که ارتفاع بعضی از آن‌ها به پنج متر هم می‌رسید. از مجسمه‌هایی که به نظر من جالب بودند از چند زاویه مختلف طراحی کردم. نزدیک ظهر بود و من تنها بازدیدکننده‌ی موزه بودم در انتهای موزه بقایایی از یک ساختمان قدیمی به چشم می‌خورد که احتمالاً کارگاه «بوردل» در زمان حیاتش بوده است. وارد ساختمان متروکه شدم. دیوارها از دود بخاری هیزمی سیاه شده بود. در گوشه و کنار اتاق چند مجسمه نیمه تمام دیده می‌شد که روی آن‌ها را لایه‌ای از خاک پوشانده بود. کنار بخاری هیزمی

روی زمین نشستم و طرحی از آن کشیدم. با تماشای بخاری خاموش، احساس سرمای شدید می‌کردم. در کنار طرحی که از بخاری «بوردل» کشیدم نامه‌ای برای استادم «مادام تریان» نوشتم. می‌خواستم در آن تنهایی و سکوت، درد و دلی کرده باشم. حس کردم که مانند «بوردل» سال‌هاست که مرده‌ام. مدتی بود که از ایران خبری نداشتم و تمامی نامه‌هایم یک طرفه شده بود. آیا واقعاً فراموش شده‌ام؟ بارها تنهایی را تجربه کرده بودم. در نیاسته، قراچه، تهران، کرمان و این بار هم در پایتخت فرانسه با صدها نمایشگاه هنری و دانشکده، بیشتر از همیشه احساس تنهایی می‌کردم. اگر عشق به هنر نبود، اگر این جنون مرا زها می‌کرد، لحظه‌ای هم برای برگشتن تردید نمی‌کردم. ناگهان صدای مردی رشته افکارم را پاره کرد «مسئو موزه تعطیل است» از جایم بلند شدم و طرح‌هایم را جمع کردم. چراغ‌ها روشن شده بود. از پنجره به بیرون نگاه کردم آسمان سیاه بود که موزه را ترک کردم. در راه به قدرت و توانایی «بوردل» فکر می‌کردم و کارهایش که در ظرافت و زیبایی بی‌نظیر بود و او را برای همیشه جاودانه کرده بود.

وقتی نقاشی می‌کنم و یا مجسمه می‌سازم همه چیز را فراموش می‌کنم. هنوز یادم نرفته آن روزی را که مشغول کشیدن تابلوی «ارابه عولفه» اثر «جان کنتستابل» بودم. غرق طراحی و رنگ‌های آن بودم که با فریاد مادری به خود آمدم. برای ناهار صدایم می‌کرد. از لحن صدایش معلوم بود که چندین بار صدایم کرده ولی متوجه نشده‌ام. به سرعت دست‌هایم را پاک کردم و سر سفرو حاضر شدم. رنگ به رخسار هیچ کدامشان نبود. مادر گفت: متوجه زلزله نشدی؟ گفتم: زلزله! اصلاً. به آب حوض نگاه کردم. آب تا پاشویه خالی شده بود و اطراف آن ریخته بود. تازه یادم آمد وقتی که نقاشی می‌کردم در یک لحظه می‌خواستم روی صندلی بنشینم. صندلی از حرکت زلزله افتاده بود و من آنچنان غرق کار بودم که متوجه زلزله نشده و صندلی را از زمین برداشته و به کار ادامه داده بودم. ارزش منظره‌سازی در آن است که به اعماق منظره‌های که می‌کشید سفر کنید آرامشی نصیبتان می‌شود که حتی یک سفر واقعی نمی‌تواند جای آن را بگیرد.

مجید بوستانی - نقاش و کاریکاتوریست (بابلسر)

در حال حاضر در گالری (داده) فعالیت می‌کنم. علاوه بر این در زمینه‌ی تدریس کاریکاتور و نقاشی کودکان مشغول هستم. موضوع نقاشی‌های اخیرم نگارهای استان مازندران است که حاصل کار تحقیقاتی همراه با گروه چهارشنبه‌ها است. تاکنون سه نمایشگاه انفرادی و بیست نمایشگاه گروهی داشته‌ام که آخرین نمایشگاه گروهی با همکاری نگارخانه‌داران و شهرداری بابلسر در کشتی نیم‌ساخته پریاشد. خرداد ماه نیز نمایشگاهی انفرادی از کاریکاتورهایم خواهم داشت.

علی هاشمی شهرکی - گرافیست و کاریکاتوریست



علاوه بر مسوولیتی که به عنوان مدیر هنری در نشریه‌ی «کیهان کاریکاتور» دارم، دبیر تحریریه‌ی مجله‌ی «رویش» نیز هستم. در حال حاضر نیز مشغول کار بر روی کاتالوگ دوساله‌ی هفتم کاریکاتور بهران هستم که مراحل پایانی خود را طی می‌کند. در دانشگاه رسانه نیز تصویرگری را تدریس می‌کنم. علاوه بر این مقالات تخصصی هم ترجمه می‌کنم. احتمالاً آذرماه، نمایشگاهی در خانه‌ی کاریکاتور خواهم داشت.

فرشید شیوا - نقاش



پاییز سال جاری نمایشگاه انفرادی در نگارخانه اثر خواهم داشت. همچنین در تدارک نمایشگاهی گروهی همراه با چند تن از دوستان از جمله: شهرزاد نظری، مهدی احمدی، منی غلامی، فرشید شفیع و محمد رحیمی در نگارخانه هما هستم. این نمایشگاه ۲۹ اردیبهشت ماه برگزار خواهد شد. به موازات این فعالیت‌ها کماکان سرگرم تدریس طراحی و نقاشی هستم. سال پرکاری را شروع کرده‌ام. امیدوارم همیشه همین‌طور باشد.

دامون خانجانبازده - طراح گرافیک



علاوه بر تدریس واحد تایپوگرافی و طراحی حروف در چند دانشگاه و هنرستان هنرهای زیبای پسران، مشغول مطالعه و تحقیق برای کتابی با مضمون (طراحی حروف) هستم. کتابی هم تحت عنوان (نشانه‌های نوشتاری ایرانی) در دست تهیه دارم که به زودی به چاپ خواهد رسید. ضمناً مقاله‌ای با عنوان «خطای باصره در حروف» نوشته‌ام که در حال ویراستاری است.

یلدا معری - عکاس



آخرین نمایشگاهی که در آن شرکت داشتم، نمایشگاهی گروهی با موضوع زلزله‌ی پاکستان بود که در بهمن ۱۳۸۴ در خانه‌ی عکاسان ایران برگزار شد. نمایشگاه آینده‌ام نیز از عکس‌های زلزله‌ی لرستان است که خانه‌ی عکاسان برگزارکننده‌ی آن است و قرار است به صورت نمایشگاه خیابانی برگزار شود. علاوه بر این‌ها عکاسی را با موضوعات متفاوت ادامه می‌دهم.

مهرداد نراقی - عکاس و طراح گرافیک



در حال حاضر مشغول عکاسی برای برگزاری نمایشگاه آینده‌ام هستم که اولین نمایشگاه انفرادی‌ام خواهد بود و اواسط آذرماه در گالری راه ابریشم برپا می‌شود. عنوان و سوژه‌ی نمایشگاه را نزدیک زمان برگزاری نمایشگاه خواهم گفت. دی‌ماه سال گذشته نیز در نمایشگاه گروهی (فتو ویدئوآرت) با عنوان «سوژه» در گالری آریا شرکت کردم.

رایزنی‌ها برای برپایی اکسپوزی تهران

برپایی برنامه‌ی فروش هنری، نیاز عرصه‌ی فرهنگی کشور است.

علی فرامرزی یکی از مجریان فروش بزرگ هنری گفت: برپایی نمایشگاه فروش آثار هنری، یکی از نیازهای بنیانی هنر کشور است و تاثیر چشمگیری در تحول اقتصاد هنری دارد. وی روز یکشنبه در گفت و گو با ایرنا افزود: به نظر می‌رسد امسال مدیریت فرهنگی کشور مصمم به برپایی دومین نمایشگاه فروش هنری بوده و دامنه‌ی فروش آثار هنری در دوره جدید، بخش وسیع تری از جامعه را در بر می‌گیرد. فرامرزی، برپایی مستمر این نمایشگاه در قالب سالانه را زمینه‌ی آشنایی مردم با عرصه هنرهای تجسمی دانست و گفت: این نمایشگاه امکان انتخاب و خرید آثار تجسمی به شکل گسترده را به مردم می‌دهد. وی توضیح داد: نمایشگاه فروش آثار هنری به تدریج، خود را به عنوان یک ضرورت به مردم معرفی خواهد کرد و موجب رشد دانش دیداری در جامعه می‌شود.

مجسمه‌های ایرانی در مکزیکو سیتی

هنر مجسمه‌سازی معاصر ایران در مکزیک با استقبال کم سابقه‌ای مواجه شد.

نمایشگاه مجسمه‌سازی ایران در شهر مکزیکوسیتی مورد استقبال هنرمندان، فرهیختگان و دانشجویان قرار گرفت. امیر رضا یاراحمدی یکی از هنرمندان اعزامی به مکزیک در گفتگو با خبرنگار تندیس ضمن اعلام این خبر افزود: این نمایشگاه به پیشنهاد سفیر ایران در مکزیک و همکاری دانشگاه ملی هنرها «اسمرالدا» به مدت ده روز از ۸ الی ۱۸ فروردین برپا بود. وی افزود: این حرکت فرهنگی امکان تبادلات فرهنگی مناسبی را برای طرفین ایجاد کرد به گونه‌ای که امیدواریم در آینده نزدیک نمایشگاهی از هنرمندان معاصر مکزیک در یکی از دانشگاه‌های شهر تهران برگزار شود. احمدرضا یاراحمدی، بهروزی امیری راد، فاطمه امدادیان، رضا قره‌باغی، هماین ثابتی مطلق و معصومه میرحسینی هنرمندان حضور یافته در این نمایشگاه می‌باشند.

انتخاب دودبیر

مرکز فرهنگی هنری صبا پس از انتشار فراخوان نمایشگاه نقاشی جهان اسلام و انتخاب مهدی حسینی به عنوان دبیر این دوسالانه، اسامی دبیران بخش پوستر و تصویرگری را نیز اعلام نمود.

بر این اساس حبیب‌الله صادقی در بخش پوستر و شکوه رهبرنیا در بخش تصویرگری سکان دوسالانه جهان اسلام را به دست خواهند گرفت.

نقاشان قهوه‌خانه انجمنی شدند

حبیب‌الله صادقی رئیس مرکز توسعه هنرهای تجسمی در حاشیه همایش هنر عاشورایی که ماه گذشته در مرکز فرهنگی و هنری صبا برگزار شد، خبر تاسیس انجمن نقاشان خیالی نگار را اعلام نمود. در این مراسم همچنین از پنج نفر از هنرمندان قهوه‌خانه تجلیل شد.

گفتنی است تعداد نقاشان قهوه‌خانه که همواره خطر از دست رفتن تجربیاتشان وجود دارد، بسیار محدود می‌باشد و به زحمت می‌توان ده نفر از هنرمندان پیگیر این شیوه را شناسایی کرد.

این خبر در حالی از سوی رئیس مرکز هنرهای تجسمی اعلام می‌شود که بسیاری از گرایش‌های تجسمی نظیر سفالگران، طراحان و ... همچنان فاقد انجمن هستند.

فروش خوب تناولی

نیمی از مجسمه‌های پرویز تناولی در نمایشگاه ونکوور به فروش رسید. نمایش آثار جدید این هنرمند، از ۲۵ اسفند در گالری البوت

لوئیس ونکوور آغاز شد و تا ۱۵ فروردین ادامه یافت. تناولی در این باره می‌گوید: «بخشی از آثار که به مجموعه‌ی شخصی خودم تعلق داشت، قیمت گذاری نشد و از میان آثار قیمت گذاری شده، نیمی به فروش رسید.»

وی افزود: «فروش مجسمه‌های بزرگ بسیار سخت است اما با توجه به ابعاد مجسمه‌های ارائه شده در این نمایشگاه، میزان فروش راضی‌کننده بود چراکه امکان نگهداری مجسمه‌های بزرگ برای همه وجود ندارد و تنها مجموعه داران و نهادهای هنری، مشتریان اصلی این گونه آثار به شمار می‌آیند.»

تناولی در این آثار بعد از قفل، دیوار، فرهاد کوهکن، شاعر و عشاق به «سرو» درخت ایرانی» پرداخته بود.

عابدینی این بار در تبریز

حوزه هنری استان آذربایجان شرقی از تاریخ ۲۲ الی ۳۰



فروردین سال جاری میزبان نمایشگاهی از پوسترهای رضا عابدینی با عنوان «خط سوم» در مجتمع هنری تبریز بود.

رضا عابدینی در یک طی جلسه پرسش و پاسخ در روز ۲۳ فروردین در جمع اساتید و دانشجویان، مطالبی در خصوص تاریخ خط و گرافیک ارایه داد. عابدینی، چند روز پیش از این نیز در ورک‌شاپ و نمایشگاهی در دبی شرکت نموده بود.

اعتراض مطبوعاتی

جمعی از هنرمندان مجسمه‌ساز کشور با ارسال نامه‌ای به دفتر نشریه تندیس به تیر خبری در روزنامه ایران اعتراض نمودند. این تیر با عبارت «اعدام جوان مجسمه‌ساز به خاطر جرم سیاه» در روز ۲۴ فروردین در صفحه حوادث این روزنامه به چاپ رسیده بود. هنرمندان معترض در بخشی از این نامه آورده‌اند: «مجسمه‌سازان پس از انقلاب با کوشش بسیار در کنار تحمل مشکلات بسیار توانستند رفته‌رفته اعتبار و ارزش پایمال شده خود را احیا کرده و ضرورت وجودی خویش را در کاروان فرهنگ و هنر این سرزمین به اثبات برسانند. حال پس از ده‌ها سال تلاش و پایمردی بزرگان این هنر هنوز بسیاری از کوتاه‌فکران اتهام تحقیرآمیز خود را بر علیه این هنر شریف به‌طور کامل پس نگرفته‌اند.»

حراج شاهکار آگون شیله



شاهکار «آگون شیله» که بیش از ۶۰ سال پیش از سوی نازی‌ها تصرف شده بود، خردادماه سال جاری، در حراجی کریستی لندن، حراج می‌شود.

به گزارش ایسنا، انتظار می‌رود تابلوی رنگ روغن و آب‌رنگ غم‌انگیزی که با دو عنوان «گل‌های آفتاب گردان پژمرده» و «خورشید پاییز» شهرت دارد، در این حراجی، بیش از شش میلیون پوند، به فروش برسد.

این تابلو، سال گذشته بار دیگر کشف شد. رئیس حراجی کریستی، در اروپا، به آسوشیتدپرس گفت: کارشناسان ما از نزدیک این تابلو را دیدند و گفتند: «خدای من این تابلو اصل است». نمی‌دانید آن‌ها از کشف دوباره‌ی این تابلو تا چه اندازه هیجان زده شده بودند.

شیله این تابلو را به پاس قدردانی از تابلوی مشهور «گل‌های آفتاب گردان»، اثر ون گوگ کشیده است.

(تندیس)

تلفن : ۰۲۱-۶۶۹۰۸۱۲۸

اینجانب : نام خانوادگی شغل

نشانی پستی

کدپستی تلفن مایل به اشتراک یک دوره یکساله (۲۴ شماره)

از شماره تا هستم

هزینه اشتراک : ۱۲۰۰۰ تومان

لطفا فرم اشتراک تکمیل شده را به همراه اصل فیش بانکی شماره حساب ۴۱۷۵ بانک ملی شعبه قیابان آزادی کد ۸۸ به نام محمدحسن حامدی به نشانی - تهران صندوق پستی : ۱۷۹ - ۱۳۴۴۵ ارسال نمایید.

امضا

فرم اشتراک تندیس

این هفته بخوانید

هنر نقد هنری



نویسنده: علی اصغر قره باغی
انتشارات: سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۶۹۹۵۱
قیمت: ۲۵۰۰ تومان

نویسنده این کتاب که خود از منتقدین نام‌آشنای هنرهای تجسمی ایران می‌باشد، با این تحقیق کوشیده است تا دریچه‌ای به چشم‌انداز پیشینه و حال نقد هنری در جهان داشته باشد و از این رهگذر به پرسش‌هایی که در رابطه‌ی پیچیده میان منتقد و اثر هنری مطرح است، پاسخ گوید.

این هفته ببینید

www.fanoosphoto.com

سایت تخصصی عکس فانوس پس از دو سال فعالیت اکنون موفق شده است تا بانکی حرفه‌ای و جامع از آثار عکاسان ایرانی در سراسر جهان را جمع‌آوری کند.

عکاسی هنری، عکاسی طبیعت، عکاسی مستند، عکاسی ورزشی و عکاسی معماری از دسته‌بندی‌های این سایت به‌شمار می‌آید.

محمدحسین میرحسروی (هنرمند سمنانی) / ۱۴ الی ۱۸ اردیبهشت / نمایشگاه گروهی (بزرگداشت مکرمه قنبری) ۷ الی ۱۲ اردیبهشت / تلفن: ۲۲۲۷۶۰۱

نگارخانه اندیشه: نمایشگاه نقاشی فرحناز زرگانی زاده / ۹ الی ۱۴ اردیبهشت / نمایشگاه نقاشی مرضیه طهمورثی / ۱۶ الی ۲۱ اردیبهشت / خیابان شریعتی، نرسیده به پل سیدخندان، روبروی منخبرات، بوستان هلال احمر، فرهنگسرای مدرسه (اندیشه) / نگارخانه آریا: نمایشگاه گروهی طراحی / ۴ الی ۱۴ اردیبهشت / خیابان ولی عصر، بالاتر از سه‌راه عباس‌آباد، کوچه زرین، شماره ۱۱ / تلفن: ۸۸۷۱۶۴۰۱

نگارخانه خاک: نمایشگاه عکس ساسان توکلی فارسانی / ۸ الی ۲۰ اردیبهشت / خیابان شریعتی، دوراهی قلهک، خیابان بصیری، کوچه ژیل، شماره ۲ / تلفن: ۲۲۶۰۵۴۶۵

نگارخانه لاله: نمایشگاه گروهی اساتید هنر دانشگاه جهاد دانشگاهی / ۹ الی ۱۳ اردیبهشت / خیابان فاطمی، ضلع شمالی پارک لاله، جنب هتل لاله / تلفن: ۸۸۹۶۰۴۹۲

خانه هنرمندان ایران / نگارخانه میرمیران: نمایشگاه عکس / ۹ الی ۱۵ اردیبهشت / نمایشگاه نقاشی، تصویرگری کتاب (محمدعلی بنی‌اسدی) / ۹ الی ۱۸ اردیبهشت / خیابان طالقانی، بعد از ایرانشهر، خیابان شهیدموسوی شمالی، ضلع جنوبی باغ هنر

نگارخانه نیکول: نمایشگاه عکس داود وکیل زاده / ۸ الی ۱۳ اردیبهشت / خیابان مطهری، روبروی امیرآتابک، خیابان اکبری، کوچه آزادی، پلاک ۳۷ / تلفن: ۸۸۷۴۸۳۴۳۰

نگارخانه هور: نمایشگاه نقاشی منیژه صبحی / ۸ الی ۱۹ اردیبهشت / مطهری، خیابان میرزای شیرازی شمالی، کوچه نعیمی، شماره ۱۶ / تلفن: ۸۸۷۰۶۹۸۴

نگارخانه ماه: نمایشگاه نقاشی مسعود عربشاهی / ۱ الی ۱۹ اردیبهشت / خیابان آفریقا (جردن)، بلوار گلستان، شماره ۸۹ / تلفن: ۲۲۰۴۵۸۷۹

نگارخانه هفت ثمر: نمایشگاه شهرزاد میرزاحسابی / ۸ الی ۱۳ اردیبهشت / خیابان مطهری، خیابان کوه نور، کوچه پنجم، شماره ۲۵ / تلفن: ۸۸۷۳۱۴۰۳

نگارخانه آتین: نمایشگاه نقاشی ندا اعظمی / ۸ الی ۱۲ اردیبهشت / خیابان ولی عصر، جنوب چهارراه پارک‌وی، کوچه خاکزاد، شماره ۱۳ / تلفن: ۲۲۰۱۷۷۶۱

نگارخانه باران: نمایشگاه طراحی مریم رحیمی فر / ۱۶ الی ۲۲ اردیبهشت / درکه، خیابان شهید احمدپور، نبش کوچه غزال، شماره ۷

نگارخانه گلستان: نمایشگاه نقاشی بهجت صدر / ۸ الی ۱۴ اردیبهشت / نمایشگاه نقاشی منوچهر صفرزاده (مش صفر) / ۱۵ الی ۲۱ اردیبهشت / دروس، خیابان شهید کما سایی، شماره ۴۲ / تلفن: ۲۲۵۴۱۵۸۹

نگارخانه الهه: نمایشگاه نقاشی حسن واحدی / ۸ الی ۱۴ اردیبهشت / نمایشگاه طراحی و نقاشی علی نصیر / ۱۵ الی ۲۶ اردیبهشت / بلوار آفریقا (جردن)، خیابان گلغام، شماره ۴۷

نگارخانه مهرین: نمایشگاه گروهی آبرنگ / ۲ الی ۷ اردیبهشت / گیشا، خیابان فاضل غربی (شاخه جنوبی)، شماره ۲۱، طبقه اول / تلفن: ۸۸۲۴۰۹۴۶

نگارخانه طیار: نمایشگاه نقاشی خانم لیلا پیش‌دار و ماهرخ مینایی / ۲۲ الی ۲۷ اردیبهشت / سعادت‌آباد، خیابان علامه طباطبایی جنوبی، کوچه ۲۴ غربی، شماره ۴، واحد ۶
نگارخانه متن سپید (ساری): نمایشگاه نقاشی آقای



توجه بوده است. طرح‌های شرکت Site Inc برای فروشگاه‌های Best Products Co موضوع بسیار جالبی در محافل هنر معماری و مجلات هنری سراسر جهان بود و در موزه‌ی هنرهای مدرن و مکان‌های دیگر به نمایش گذاشته شد و در طی سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۷ شرکت Products Co. Best موفق به گسترش فعالیت‌هایش شد.

در تصویر شماره ۹) ساختمان انجمن هنرهای اسکاتلند را مشاهده می‌کنید. طرح نقاشی دیواری به منظور بهینه‌سازی برخی از زوایای بد شکل و سه گوش ساختمان انجام شد که حالتی ناخوشایند به خیابان‌های Glasgow بخشیده بود. این طرح در سال ۱۹۷۵ با همکاری شرکت Asist and Lci.Ltd توسط Jim Torrance در شهر Govanhill اجرا شد. در این تصویر توجه شما را به دودکش‌ها جلب می‌کنم که چگونه با خطوط رنگی هماهنگ شده‌اند و به واسطه‌ی این هماهنگی مانند گذشته، بد شکل ظاهر نشده‌اند.

در تصویر شماره ۱۰) طرحی گرافیکی که موجب خنده می‌شود را ملاحظه می‌کنید این طرح بر ساختمانی غیر مسکونی که در خیابان Plum در شهر Cincinnati قرار دارد، اجرا شده است این ساختمان به شرکت فروش آهن آلات اختصاص دارد و طراح این اثر Paullevy است. در تصویر شماره ۱۱) نقاشی دیواری بر قسمتی از دیوار ساختمان بانک در مرکز شهر Columbia را مشاهده می‌کنید. در تصویر شماره ۱۲) نمایی از دیوار ساختمان فروشگاه پوشاک Dickies که در ایالت Texas واقع است را مشاهده می‌کنید، این تصویر با اندازه‌ی 170(FT) توسط Gengling Staurt طراحی شده است.

متشکل از قطعات به هم پیوسته است که به طور اتوماتیک به اندازه‌ی 40(FT) جابه‌جا می‌شود اگر به عنوان در ورودی به این شکاف نگاه کنیم به هیچ وجه به صورت ویرانی، آنگونه که از بیرون ساختمان به نظر می‌رسد، دیده نمی‌شود. حداقل برای بازدیدکننده‌های اروپایی به دلیل اضطراب و توجهی که در برخورد اول با این طرح ایجاد می‌شود، تفکری بیش از نوگرایی جدید آمریکایی مطرح می‌شود. در واقع، تلاش برای ایجاد تحولی اساسی در طراحی ساختمان‌های قدیمی و انحرافی مشخص و آشکار از ارزش‌های مورد قبول جامعه بیشتر مورد

